

عامل اسلامی در امور روسیه

الکساندر ایگناتنکو^۱

اصول‌گرایی، یک نهضت اجتماعی است که به بازگشت به وضعیتی دعوت می‌کند که به عنوان مبنای هستی جمعی تلقی می‌شود. اصول‌گرایی می‌تواند مختلف باشد. برای مثال، اصول‌گرایی ارتدوکس به احیای مذهب ارتدوکس به‌عنوان اساس هستی اجتماعی روسیه دعوت می‌کند. این اصول‌گرایی واکنشی در برابر بحران نه‌تنها جامعهٔ سوسیالیستی و ایدئولوژی کمونیستی بلکه بحران معنویت در جامعهٔ آمریکایی شدهٔ روسی و دوئی شدن کلیسای ارتدوکس است. اصول‌گرایی کمونیستی به شکل استالینی، واکنش در برابر بحران جامعه و بحران جنبش کمونیستی است. اصول‌گرایی همیشه با کلمات کلیدی ذیل ارتباط دارد: بازگشت، احیا و رستاخیز.

پیروزی‌های موقت طالبان در افغانستان، در برخی از محافل حاکم مسکو بلبشو برانگیخته بود. سناریوی اضطراری تحولات بعدی رواج یافت که براساس آن طالبان می‌توانند بسرعت وارد آسیای مرکزی شوند و تا سمرقند؛ بخارا و احتمالاً دوشنبه (همراه با اپوزیسیون مسلح تاجیک) بروند. تحولات بعدی مطابق با قدرت تخیل پیشگویان ترسیم می‌شود. برخی از آنها ادعا می‌کردند که از طریق قزاقستان، باشقیرستان و تاتارستان یک فلش اسلامی وارد بدن روسیه خواهد شد. همچنین به «داس اسلامی» اشاره می‌کردند که چچن می‌تواند نوک تیز آن را تشکیل دهد در حالی که دولتهای اسلامی آسیای مرکزی، جمهوری آذربایجان و خاورمیانه بخش دیگر این داس را تشکیل خواهند داد. در مجموع، بگرانی‌های نخبگان سیاسی و ارتشی روسیه قابل درک است. ولی علتش دشمنی اصیل و ابدی اسلام نسبت به روسیه نیست؛ بلکه این است که افرادی که اکنون روی

۱. الکساندر ایگناتنکو از اعضای شورای نویسندگان روزنامهٔ نژاویسیمایاگازتا است.

کار هستند یا به قدرت خواهند رسید تا حالا حداقل دوبار نتوانسته‌اند از پس ملت‌هایی برآیند که شعارشان «الله اکبر!» است. منظورم مسلمانان افغانستان و چین هستند.

اما نباید فکر کرد که فقط سیاستمداران روس تحت تأثیر این تحولات قرار گرفته‌اند. در زمان اخیر ریاست نظامی چین نیز بر تشدید تدارکات نظامی در منطقه شمال غربی چین که با افغانستان هم‌مرز است، تأکید کرد. مطابق با «اصل دومینو»، در این کشور در رابطه با ظهور و فعالیت طالبان خطر توسعه اصول‌گرایی اسلامی به مناطق خودمختار غربی چین که جمعیت مسلمان دارد، شدت یافت.

جلسه اضطراری سران روسیه و کشورهای آسیای مرکزی در آلماتا نیز حاکی از نگرانی از این تحولات از سوی دولتمردانی است که نمی‌توان آنها را خیال‌پرداز محسوب کرد. معلوم است که طالبان با اعمال خود دوباره مسئله عامل اسلامی در سیاست جهانی را در دستور روز قرار داده‌اند.

چرا عامل اسلامی در سیاست بروز می‌کند؟

چه چیزی باعث پیدایش عامل اسلامی می‌شود؟ قبل از همه، فعالیت مسلمانان به عنوان یک گروه کامل و مستقلی که از موازین تمدنی خود برخوردارند و منافع واقعی خود را دارند. به عبارت دیگر، وجود مسلمانان لازمه پیدایش، موجودیت و فعالیت عامل اسلامی است. اما این امر کافی نیست. برای ظهور عامل اسلامی یک رشته شرایط مکمل باید وجود داشته باشند. یکی از آنها، تماس با تمدن‌های دیگر است که در جریان آن قوی مسلمانان با دیگران احساس می‌شود. در صورت بروز اختلاف واقعی یا تخیلی منافع مسلمانان با جمعیتی که با آن تماس برقرار شد، ممکن است مناقشه رخ بدهد. این مناقشه می‌تواند به عنوان مناقشه مذهبی شکل بگیرد. در آینده این جنبه مذهبی روابط با جمعیت‌های دیگر از اهمیت مستقلی برخوردار می‌شود و نهادینه می‌گردد.

برای مثال، بعد از سال ۱۹۷۹ «تماس» ارتش شوروی که ایدئولوژی آن بر بی‌دینی استوار بود، با جمعیت مسلمان افغانستان باعث پیدایش عامل اسلامی به شکل شدید آن شد. تبلور ظاهری آن این بود که کسانی که یا نیروی شوروی می‌جنگیدند، خود را مجاهد یعنی «رزمندگان راه ایمان» نامیدند. در همان زمان عامل اسلامی در نتیجه پیروزی انقلاب اسلامی در ایران که با اتحاد شوروی مرز طولانی داشت و می‌خواست مسلمانان شوروی را تحت تأثیر خود قرار دهد، از محتوای جدید بهره‌مند گردید.

تأثیر عامل اسلامی را می‌توان همه‌جا پیدا کرد چونکه این عامل جهانی است. اسلام



هم یک دین جهانی می‌باشد. اما این عامل به‌طور مشخص‌تر در نوار وسیعی مشاهده می‌شود که از اسپانیا تا چین در اروپا و آسیا گسترش یافته است. در این منطقه در خاطره تاریخی یا در حال حاضر تماس بین تمدنی یا مسلمانان صورت گرفته است.

منظورمان از تماس تنها تبادلات فرهنگی نیست؛ بلکه مناقشات باز و پنهانی هم است. کافی است مناقشات بوسنی، کریمه، قره‌باغ، چین، تاجیکستان، سینجیانگ و کشمیر را بخاطر آوریم. ذکر اسپانیا هم تصادفی نیست. در شهرهای ملیلیا و سئوتا که به اسپانیا تعلق دارند ولی در خاک مراکش قرار گرفته‌اند، سازمانهای ضداسپانیولی «اتحادیه جوامع مسلمان»، «کمیته اسلامی ملیلیا و اتحادیه بدر» فعالیت می‌کنند. در حال حاضر سرویسهای ویژه اسپانیا مشغول کشف روابط اسلام‌گرایان محلی با طالبان افغانی هستند. ولی برای ما این نکته اهمیت دارد که روسیه در یکی از حساس‌ترین نقاط نوار جغرافیایی مذکور واقع شده است.

عامل اسلامی به صورت مداخله نیروی مرموزی که پیچیدگی اوضاع قفقاز، آسیای مرکزی، خاورمیانه و بخش مهم روسیه (بویژه شمال قفقاز) را می‌شد با این مداخله توضیح داد، عمل نمی‌کند. در کنار واکنشهای آماده نشده مسلمانان در برابر رویدادهای مختلف، تعداد بسیار زیاد سازمانهای فعال سیاسی وجود دارند که عامل اسلامی را عملی می‌نمایند. به همین دلیل عامل اسلامی باید قبل از همه به عنوان عامل سیاسی در نظر گرفته شود.

در این صورت ما به خود دین اسلام کاری نخواهیم داشت. در حالی که اسلام بخش مهم زندگی معنوی بشریت است، عامل اسلامی موضوع تحقیقات سیاستمداران می‌باشد. حتی برشماری عادی مجریان فعال عامل اسلامی، در چارچوب یک مقاله مطبوعاتی غیرممکن است. به همین دلیل گروههای آنها و در این اثنا از نمونه‌های بارز و نمادین نام برده می‌شود.

عامل اسلامی و نهادهای دولتی

در اکثریت قریب به اتفاق کشورهای اسلامی ارگانهای مربوطه دولتی وجود دارند. وزارت امور مذهبی، وزارت تبلیغات یا ارشاد ملی (مذهبی) در همه کشورهای به مسائل مسلمانان و پیروان ادیان دیگر (چنانکه باشند) می‌پردازند. در روسیه وزارت امور دینی وجود ندارد که این امر به عقیده رهبران مسلمانان روسیه، مسائل و مشکلات زیادی را در داخل کشور (عدم هماهنگی همه جمعیت‌های مسلمان) و در خارج (از نظر برقراری روابط مسلمانان روسی با برادران ایمانی خارجی خود) ایجاد می‌کند.

در برخی از کشورها ارگانهای ویژه‌ای هستند که هدف اصلی آنها، استفاده از عامل



اسلامی در عرصه سیاست خارجی است. برای مثال، در ایران شبکه گسترده دولتی وجود دارد که شامل سازمانهایی اعم از شورای عالی انقلاب فرهنگی تا بخشهای ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. گاهی اوقات سرویسهای ویژه، جنبه خارجی عامل اسلامی را به نفع دولت مشخص تأمین می‌کنند. برای مثال، برکسی پوشیده نیست که سرویسهای ویژه پاکستان در روندهای معینی در کشورهای همسایه افغانستان و هند دست دارند. این هم معلوم است که طالبان، دست پرورده پاکستان می‌باشند.

مسلمانان مختلف و اتحادیه‌های مختلف مسلمانان

در همه کشورهای مسلمان دارند (چه به صورت اکثریت و چه به صورت اقلیت جمعیت) اتحادیه‌های اجتماعی، انجمنهای فرهنگی، مراکز تحقیقاتی، گروههای لابی، احزاب سیاسی و رسانه‌های گروهی هستند که منافع مسلمانان را منعکس می‌کنند. هزارها واحد مربوطه در سراسر جهان وجود دارند. حتی در کشور کانادا که از مراکز سنتی اسلامی دور است، تعداد این گونه سازمانها به ۱۰ سازمان می‌رسد، از جمله بنیاد بین‌المللی اسلامی کانادا، مؤسسات بین‌المللی مطالعات اسلامی، امت مسلمان مونترئال بزرگ، مرکز اطلاعات و اسناد اسلامی و غیره.

در روسیه نیز چنین اتحادیه‌هایی به وجود آمده‌اند، از جمله سازمانهای سراسری (کمیته اسلامی، اتحادیه مسلمانان روسیه، جنبش «نور»، جنبش سراسری اجتماعی - سیاسی «مسلمانان روسیه») و منطقه‌ای (حزب دموکرات اسلامی و «جماعت المسلمین» در داغستان، «راه اسلامی» در چچن، اتحادیه جوانان مسلمان در تاتارستان و غیره). محتوای اسلامی در ایدئولوژی و فعالیت انواع و اقسام جنبشها و احزاب رادیکال ملی در جمهوری‌های مسلمان‌نشین روسیه مشاهده می‌شود.

ضمن بررسی فعالیت جنبشهای اجتماعی - سیاسی و احزاب اسلام‌گرا باید به یک نکته اشاره کرد. همه این سازمانها از نظر نحوه فعالیت با هم فرق دارند. از یک سو، سازمانهای خیریه، فرهنگی، روشنگرانه و سیاسی وجود دارند که در چارچوب قوانین کشور خود فعالیت می‌کنند، مخالف قدرت حاکم نیستند و شرکت در هرگونه زورگویی را برای خود جایز نمی‌دانند.

سازمانهای مذکور - کمیته اسلامی، اتحادیه مسلمانان روسیه، جنبش «نور»، جنبش سراسری اجتماعی - سیاسی «مسلمانان روسیه» - به همین گروه تعلق دارند. برای مثال، اتحادیه مسلمانان روسیه همراه با جنبش «خانه ما، روسیه» در جریان انتخاب ریاست

جمهوری در میان مسلمانان شخصیت بوریس یتسین را به طور گسترده‌ای تبلیغ کرد. فهرست نامزدهای حزب جنبش «نور» در انتخابات گذشته دوما‌ی دولتی شرکت کرد که برای آن تعداد نسبتاً بالای آرا - ۱/۵٪ - داده شد. هر چهار سازمان مذکور به حل و فصل مسالمت‌آمیز اوضاع چچن به عنوان بخشی از فدراسیون روسیه کمک کردند.

از سوی دیگر، تعدادی از اتحادیه‌ها که سازمانهای غیردولتی مذهبی - سیاسی نامیده می‌شوند، به طور سازش‌ناپذیر با دولتهای کشورهای خود مخالفت می‌کنند و هدف برکناری رژیمهای حاکم از جمله به طور مسلحانه، یا تعیین سرنوشت سیاسی و دولتی مسلمانان را به وسیله اعمال زورگویانه هدف خود اعلام می‌کنند. در این میان می‌توان به «اخوان المسلمین» در کشورهای مختلف عربی، «حماس» در فلسطین، حزب‌الله لبنان، جبهه اسلامی آزادی‌بخش مورو در فیلیپین، حزب تجدید حیات اسلام در تاجیکستان و سازمانهای دیگر اشاره کرد.

طبق برآوردهای معینی در اوایل سالهای ۱۹۹۰ در جمهوری چچن - اینگوش (در بخش چچن آن) سازمانی به نام «برادران مسلمان» فعالیت می‌کرد. در دوران حکومت شوروی سرویسهای ویژه و روزنامه‌نگاران اصطلاح «وهایبون» را به گردش انداختند که گروههای افراطی مسلمان اصول‌گرای آسیای مرکزی (و قفقاز از سالهای ۱۹۸۰) تحت آن عنوان نامیده شدند.

برای مثال، در اوایل ماه اکتبر سال گذشته کانال تلویزیونی NTV گزارش داد که ۲۰۰ وهابی از عربستان سعودی به چچن آمده‌اند. معلوم نیست، آیا این افراد اتباع عربستان هستند که بعید است، یا چچنهایی می‌باشند که در عربستان سعودی تحصیل کرده‌اند. یا شاید این یک خبر کاذب جدید ژورنالیستی باشد. برای مثال، یکی از فرماندهان عالی سابق نیروهای مسلح روسیه در جلسه ویژه دوما‌ی دولتی در فوریه سال ۱۹۹۵ گفت که در چچن قریب به ۷ هزار مزدور از افغانستان، ترکیه، پاکستان و کشورهای اسلامی دیگر می‌جنگند.

اما با این حال، واقعیت این است که در صفوف جدایی‌طلبان چچن خارجیان از اردن، سوریه و عربستان سعودی واقعاً جنگیدند. آنها در اعمال تروریستی در بودیونوفسکی و قیزلار نیز شرکت کردند.

سازمانهای غیردولتی مذهبی - سیاسی عمدتاً برون‌مرزی هستند و شبه‌نظامیانی که عضو آنها هستند، اغلب نه تنها در وطن خود بلکه در خارج از کشور نیز فعالیت می‌کنند. آخر اسلام مرز دولتی ندارد. به همین دلیل، اگر یک مجاهد مسلمان در بوسنی، چچن یا تاجیکستان پاسپورت مصری یا اردنی دارد، این امر بدان معنی نیست که دولتهای مربوطه مأموران خود را به کشورهای دیگر می‌فرستند. به این ترتیب، مجاهدان اسلامی متعلق به

سازمانهای غیردولتی مذهبی - سیاسی از مصر، الجزایر، پاکستان، افغانستان و کشورهای دیگر، در سراسر جهان پراکنده‌اند.

نمونه‌های متعدد تاریخی حاکی از آن است که برخی از سازمانهای اجتماعی - سیاسی هم ساختار مشروع و علنی و هم تشکیلات پنهانی دارند. برای مثال، «اخوان المسلمین» مصر در مرحله معین تاریخ خود به وسیله روشهای مسالمت‌آمیز پارلمانی برای اهداف خود مبارزه می‌کردند؛ ولی در همان حال «دستگاه مخفی» همراه با سرویسهای اطلاعاتی و ضدجاسوسی، گروههای شبه‌نظامیان و انبارهای مهمات، داشتند.

حالت مخفی و بسته فعالیت سازمانهای غیردولتی مذهبی - سیاسی، زمینه را برای استفاده از آنها و کل جنبش ناراضیان مسلمان توسط نیروهای گوناگون مهیا می‌سازد. برای مثال، در روز ۱۲ نوامبر ۱۹۹۵ در ریاض (عربستان سعودی) اقامتگاه کارشناسان نظامی آمریکایی که گارد سلطنتی این کشور را تربیت می‌کردند، منفجر شد. سه سازمان خود را مسئول این اقدام تروریستی اعلام کردند که دو سازمان از آنها از روی نام خود بایستی جزو عامل اسلامی افراطی شمرده شوند (در عربستان سعودی هم اپوزیسیون سازش‌ناپذیر اسلامی وجود دارد) - «جنبش اسلامی تغییرات» و «سازمان رزمی چریکهای الله» (نام سازمان دیگر، «بیرهای خلیج فارس» بود). شایان ذکر است که تا آن موقع کسی از این گروهها خبری نداشت. شاید این سازمانها جعلی و غیرموجود هستند چونکه مسلمانان به هیچ عنوان سازمانهای خود را این‌طور نامگذاری نمی‌کنند. به احتمال قوی، این ترجمه تحت‌اللفظی نامی است که توسط طراحان عملیات که به زبان عربی و سنن اسلامی واقف نیستند، به یکی از زبانهای غربی، از جمله انگلیسی، اختراع شد. هدف این کار، تحریک افکار عمومی در ایالات متحده و سراسر «جهان آزاد» به مبارزه بر علیه «گروههای اسلامی» بود.

رتال جامع علوم انسانی

ابعاد جهانی

عامل اسلامی در فعالیت سازمانهای بین‌المللی و جهانی تبلور می‌یابد. این سازمانها نیز کم نیستند، از جمله جامعه جهانی اسلام، سازمان خیریه جهانی اسلامی (مقر در کویت)، سازمان جهانی امداد اسلامی (عربستان سعودی)، آژانس کمکهای اسلامی، سازمان بین‌المللی دعوت اسلامی، سازمان بین‌المللی زنان مسلمان، مجمع جهانی جوانان مسلمان، اتحادیه تقریب مذاهب اسلامی (تهران)، کنگره مردمی اسلامی (خرطوم) و غیره.

در صحنه بین‌المللی سازمان کنفرانس اسلامی از همه بانفوذتر است که همه دولتهای اسلامی از جمله دولتهای مستقل جدید اسلامی جامعه مشترک‌المنافع (آذربایجان،

ترکمنستان، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان و تاجیکستان)، عضو آن هستند. این سازمان می‌تواند سیاست جهانی را تحت تأثیر قابل توجه خود قرار دهد و اعضای آن بیش از یک‌ربیع آرای مجمع عمومی سازمان ملل متحد را در دست دارند.

همه سازمانهای بین‌المللی اسلامی در روسیه و دولتهای مشترک‌المنافع نیز فعالیت می‌کنند. در گزارش عملکرد دبیرکل کنگره مردمی اسلامی اشاره شد که این سازمان در روسیه (داغستان، چچن و اینگوش) و سایر کشورهای مشترک‌المنافع (کریمه در اوکراین و نیز در تاجیکستان) فعالیت می‌کند.

دولتهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی یک وسیله مؤثر تحقق منافع سیاسی جمعیت‌های مسلمان جهان را ایجاد کردند و آن بانک اسلامی توسعه است که کمک‌های اقتصادی و وام‌های بدون تنزیل و اگذار می‌کند. اخیراً تصمیم گرفته شد که شعبه این بانک با صد درصد سرمایه خارجی در جمهوری آذربایجان باز شود. این بانک به تأمین مالی تسهیلی حدود ۱۵ پروژه اقتصادی در این کشور خواهد پرداخت. در حال حاضر بیش از ۵۰٪ تبادلات بازرگانی خارجی جمهوری آذربایجان نصیب کشورهای مسلمان شده است.

شخصیتهای سیاسی روسیه (از جمله، نیکولای گونچار، نماینده دوما دولتی) که می‌گویند که چچن بدون روسیه به قدری مسائل خواهد داشت که حتماً به فدراسیون بر خواهد گشت، اشتباه می‌کنند. شخصیتهای مسئول دولت سلیم خان یانداریف اعلام کرده‌اند که روی سرمایه‌گذاری‌های همه کشورهای مسلمان برای احیا و توسعه چچن مستقل حساب می‌کنند.

توان مالی تنها بانک اسلامی توسعه برای کارهایی کافی است که روسیه که در حالت بحران شدید اقتصادی قرار دارد، از عهده آنها برنخواهد آمد. راستی، این یکی از علل اسلامی شدن چچن است.

عامل اسلامی غیراسلامی

واقعیت عینی سیاسی باعث می‌شود که گروه‌ها و سازمانهای غیراسلامی که در تشکیل عامل اسلامی شرکت می‌کنند، به‌طور جداگانه‌ای مورد بررسی قرار گیرند. اینها مؤسسات مطالعاتی، رسانه‌های گروهی، کمپانی‌های صنعتی و گروه‌های مالی هستند که در عرصه توسعه اسلام فعالیت می‌کنند. همچنین باید به نقش مهم سرویس‌های ویژه کشورهای مخلف اشاره کرد. در این زمینه کشورهای عضو ناتو و قبل از همه ایالات متحده نقش مهمی را ایفا می‌کنند. همچنین می‌توان به ژاپن، هند و چین شک کرد.

این کار به وسیله دیپلماسی مخفی، تأثیر اطلاعاتی و استفاده از مأموران خود در کشورهای اسلامی انجام می‌گیرد. هدف این کار، ایجاد شرایط مساعد اقتصادی و ژئواستراتژیکی در کشورهای اسلامی برای کشورهای مربوطه غیراسلامی است. به برکت اظهارات بی‌نظیر بوتو، نخست‌وزیر سابق پاکستان، جهانیان از نقش ایالات متحده و انگلستان در ایجاد و تأمین مالی طالبان، مطلع شدند.

در این رابطه صلاح است یک واقعیت دیگر را یادآوری کنیم که در زمان خود در کشورهای اسلامی سروصدای زیادی ایجاد کرده بود. در اواسط سالهای ۱۹۷۰ سازمان «سیای» آمریکا به یک عملیات ویژه دست زد. این نهاد یک جزوه ضداسلامی به سه زبان عربی، انگلیسی و فرانسه با تیراژ بالا چاپ کرد. این جزوه در خاورمیانه توزیع شد. هدف این کار، تحریک دشمنی مسلمانان با اتحاد شوروی بود. این جزوه، نمونه بارز به اصطلاح «تبلیغات سیاه» بود. همه چیز حاکی از آن بود که جزوه مذکور چاپ شوروی است. همه جزئیات صفحه‌آرایی جزوه‌های معروف خبرگزاری «نووستی» که در آن زمان به‌طور وسیعی شناخته شده بودند، رعایت شد. کلمه مسکو به عنوان محل چاپ و حتی قیمت (۲۰ کوپک) ذکر شد. سفیر وقت اتحاد شوروی در سوریه به عنوان نویسنده این کتاب معرفی شد. بنابراین، آمریکایی‌ها از سنن دیرینه تأثیرگذاری بر عامل اسلامی و استفاده از آن به نفع خود برخوردارند.

اسلام‌های گوناگون؟

تنها برشماری مجریان عامل اسلامی ما را به این نتیجه می‌رساند که این عامل یکسان نیست و تضادهای داخلی دارد. معلوم است که عامل اسلامی می‌تواند جهت‌گیری‌های گوناگونی داشته باشد. برای مثال، طالبان برقراری حکومت اسلامی را در کشوری که نام «دولت اسلامی افغانستان» داشت، اعلام کردند.

ناهمگونی داخلی عامل اسلامی به طرق اساسی ذیل تشکیل می‌شود:

- اسلام رسمی و اسلام مخالفان (می‌توان به سازمانهای غیردولتی مذهبی - سیاسی

اشاره کرد)؛

- منافع مختلف ملی مجریان مسلمان اعمال سیاسی (ترک زبانان و تاجیکها در آسیای

مرکزی، پشتونها، ازبکها و تاجیکها در افغانستان؛ کردها و ترکها در ترکیه و غیره)؛

- اختلافات بین مذهبی سنی‌ها و شیعیان (درگیری‌های بی‌وقفه مسلحانه در پنجاب

پاکستان)؛



- ناسازگاری منافع اقتصادی کشورهای مختلف اسلامی؛

- تضادهای اجتماعی - طبقاتی که با اختلافات ملی و قومی تشدید شده‌اند (کارگران

مهاجر از پاکستان و سایر کشورهای اسلامی در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس).

ظاهراً، همین ناهمگونی عامل اسلامی باعث می‌شود که سیاستمداران روس نتوانند برخورد خود را با «اسلام» یا در واقع عامل اسلامی که ما به تحقیق درباره آن پرداخته‌ایم، تعیین کنند. آنها اغلب به روشندلانی شبیه می‌شوند که سعی می‌کنند کورمال کورمال از شکل فیل برداشت حاصل کنند و هریک از آنها آن قسمت بدن فیل را که بدان دست زده است، فیل کامل می‌داند.

«جهان آمریکایی» بجای ثبات

خط لوله انتقال گاز ترکمنستان - افغانستان - پاکستان توسط شرکت سعودی «دلنا اویل» و کمپانی آمریکایی «یونوکال» تأمین می‌شود. کسی پنهان نمی‌کند که جنبش طالبان بایستی غیراز اجرای وظایف دیگر، امنیت منطقه ساختمان و بهره‌برداری از این خط لوله را تضمین کند. آمریکایی‌هایی که دورنمای طالبان را بعد از ورود برق‌آسای آنان به کابل درست ارزیابی نکرده بودند، به موفقیت نهایی آنها علاقه‌مند شدند.

اما درست نیست که هدف ایجاد جنبش «دانشجویان مسلمان - طالبان» تنها تا حد حفاظت از خط لوله انتقال گاز محدود شود. طراحان استراتژی آمریکا تحت پوشش بیانات درباره مبارزه در راه برقراری ثبات، در آسیای مرکزی شوروی سابق و مناطق همجوار خاورمیانه به سیاست فعالانه تحریک «بی‌ثباتی میزان شده» (مناقشات هدایت شونده باشدت برنامه‌ریزی شده) می‌پردازند که از عامل اسلامی هم استفاده می‌گردد. در این زمینه، ایالات متحده آمریکا سعی می‌کند به چند هدف دست یابد.

اولاً، هدف مهم جداکردن دولتهای آسیای مرکزی از روسیه با استفاده از اسلام که در مقابل دین ارتدوکس قرار داده می‌شود، مطرح می‌شود. ایالات متحده کوششهای رهبران ترکیه را در این زمینه تشویق می‌کند و دموکراتیزه کردن (غربی کردن) تدریجی جامعه ترکی را همراه با حفظ سنن اسلامی برای دولتهای جدید آسیای مرکزی به عنوان الگو جلوه می‌دهد.

ترکیه که در این منطقه اهداف و منافع خود را دارد، با رغبت از این سیاست پیروی می‌کند. اداره امور مذهبی ترکیه سعی می‌کند به‌طور فعالانه شخصیت‌های مسلمان آسیای مرکزی (و نیز مسلمانان بالکان) را تحت تأثیر خود قرار دهد.



ثانیاً، از طریق حمایت از اپوزیسیون متحد تاجیک که آمریکایی‌ها آن را «اسلامی - دموکراتیک» محسوب می‌کنند، قصد دارند روسیه - «مخالف اسلام» - را از تاجیکستان بیرون کنند و رژیم کنونی بی‌دین را برکنار نمایند. جالب توجه است که رهبران عالی‌مقام روسیه در اجرای این سناریو دست داشته‌اند.

برای مثال، رئیس‌جمهور بوریس یتسین و اندری کوزیرف و پاول گراچف، وزیران سابق روسی، در رابطه با حضور روسیه در تاجیکستان اعلام می‌کردند که روسیه در این کشور مستقل جدید با توسعه اصولگرایی اسلامی مقابله می‌کند. سیاستمداران و تحلیلگران کماکان از این کلیشه تبلیغاتی استفاده می‌کنند.

در این صورت تقسیم عجیب کار به وجود می‌آید: ایالات متحده در تاجیکستان از اسلام و دموکراسی حمایت می‌کند و روسیه در تاجیکستان با اسلام مبارزه می‌کند. آخر نمی‌توان برای هر مسلمانی توضیح داد، پاول گراچف بین اسلام و اصولگرایی اسلامی چه فرقی را تشخیص داده بود.

خوشبختانه، سیاست رهبران روسیه در این زمینه تغییر می‌یابد. یوگنی پریماکوف، وزیر کنونی امور خارجه روسیه، در سخنان خود در مجمع عمومی سازمان ملل متحد مواضع روسیه را در این عرصه باریک مشخص کرد. وی گفت که روسیه با اسلام مقابله نمی‌کند؛

ثالثاً، صرف‌نظر از اینکه چه کسی در مناقشات مختلف با شرکت گروه‌های اسلامی در آسیای مرکزی به پیروزی دست یابد، ایالات متحده سعی می‌کند از بی‌ثباتی اوضاع در نتیجه این مناقشات سود ببرد. در یک سند آمریکایی آمده است: «نباید این احتمال را بعید دانست که ایالات متحده تحت فشار متحدان دیرینه خود، از جمله ترکیه و پاکستان، مجبور شود پرسنل معین نظامی خود را برای برقراری صلح به قفقاز و آسیای مرکزی بفرستد».

در این سند صحبت از سناریویی به میان آمد که در شرایطی که این منطقه با کمک ایالات متحده بی‌ثبات شد، پاکستان و متحدان دیگر، آمریکایی‌ها را «وادار» می‌کنند که برای «حفاظت از صلح» نیروهای مسلح خود را وارد یکی از کشورهای آسیای مرکزی کند. سندی که از آن نقل قول شده است، بیش از یک سال پیش تدوین شد. ولی این سند بسیار مبهم است، چنانچه از زاویه دید تحولات مربوط به طالبان و بی‌ثباتی شدید اوضاع افغانستان و مرزهای شمالی افغانستان در نظر گرفته شود. در عین حال، ایالات متحده حاضر است نیروهای خود را به همه نقاط مناقشه زده بفرستد. اخیراً آمریکایی‌ها حاضر شدند در الخلیل این کار را بکنند. قبلاً چنین پیشنهادی درباره بلندی‌های جولان اعلام شده بود.



باید به طور خاصی تأکید شود که آمریکایی‌ها ضمن اتکا بر عامل اسلامی در سیاست جهانی خود (منزوی کردن روسیه در جنوب شوروی سابق، ایجاد رژیم‌های آمریکاگرا یا کنترل‌شونده و غیره) با آتش بازی می‌کنند. مطابق یک قانونمندی مشاهده می‌شود که در هر ناحیه و کشور مسلمان‌نشین که ایالات متحده وارد آن شود، به اصطلاح اصول‌گرایی اسلامی شدیداً رشد می‌کند و روحیات ضدآمریکایی شدت می‌یابند.

کافی است در این رابطه، سرنوشت ایران شاهنشاهی تماماً آمریکاگرا در اواخر سال‌های ۱۹۷۰ یعنی قبل از انقلاب اسلامی، یادآوری شود. وضع ترکیه هم به گونه‌ای نیست که آمریکایی‌ها می‌خواهند. ممکن است بعد از مدتی این کشور از پیک اسلام معتدلی که توسط آمریکا کنترل می‌شود، به عامل توسعه‌اندیشه‌های اصول‌گرایی اسلامی در آن بخش‌های اروپا و آسیا تبدیل شود که آمریکا می‌خواهد در آنجا با کمک ترکیه جای پا باز کند و احساس راحتی نماید.

اهمیت عامل اسلامی برای روسیه توسط حداقل سه مسئله ذیل تعیین می‌شود:

۱. طبق برآوردهای مختلف، در فدراسیون روسیه ۱۵ الی ۲۵ میلیون مسلمان زندگی می‌کنند. شمال قفقاز، کرانه رود ولگا، اورال و سبیری غربی، مناطق سکونت متراکم مسلمانان روسیه هستند. آنها در همه مناطق کشور نیز زندگی می‌کنند. فروپاشی اتحاد شوروی باعث شد که بسیاری از آنها در مناطق مرزی روسیه واقع شوند؛

۲. در «خارج نزدیک» کشورهایی هستند که مردمشان عمدتاً پیرو اسلام می‌باشند. همه این کشورها عضو سازمان کنفرانس اسلامی شده‌اند؛

۳. ترکیه، ایران و پاکستان، کشورهای اسلامی هستند که نزدیکترین بخش «خارج دور» روسیه را تشکیل می‌دهند. در برخی از کشورهایی که مستقیماً با روسیه هم‌مرز یا به روسیه نزدیک هستند، مسلمانان بخش قابل توجه جمعیت (چین و هند) یا اکثریت مطلق را تشکیل می‌دهند (عراق، سوریه و سایر کشورهای عربی).

همین شرایط ژئوپلتیکی روسیه را وادار می‌کنند که با دقت تمام عامل اسلامی را در سیاست خارجی و داخلی خود در نظر بگیرد.

اما در اینجا یک مسئله عجیب بروز می‌کند: در روسیه بعد از به قدرت رسیدن گروهی که اطرافیان بوریس یلتسین را تشکیل می‌دهند، حرف آخر با لیبرال‌های غرب‌گرایی باقی مانده است که هرگز به دین ارتدوکس و مبانی معنوی ملت روس علاقه چندانی نداشته‌اند. همه وطن‌پرستان و طرفداران دولت نیرومند که وارد این گروه می‌شدند، بالاخره از آن طرد شدند.



بعد از انتصاب آناتولی چوبایس به مقام رئیس شورای همکاری با اتحادیه‌های مذهبی وابسته به رئیس‌جمهور فدراسیون روسیه، امکانات این گروه افزایش یافت. و حالا همین گروه نهایت کوششهای خود را به عمل می‌آورد تا نقش کلیسای ارتدوکس روسیه را در زندگی دولتی کشور مبالغه کند. آخرین کوشش آن در این زمینه، شرکت فعالانه الکسی دوم، اسقف اعظم مسکو و روسیه، در مراسم تحلیف رئیس‌جمهور روسیه بود. باید تأکید کرد که این مراسم از قبل به عنوان علامت جدید و مبنای سنت جدید روسی طراحی شده بود.

ممکن است من اشتباه کرده باشم ولی احساس می‌کنم که در این تشویق دین ارتدوکس یک سناریو مشاهده می‌شود. کنه آن این است که دولت به هر وسیله ممکن کلیسای ارتدوکس را تشویق می‌کند. مبنای خوب این سیاست می‌تواند تأکید صادقانه یا جعلی بر آن باشد که دین ارتدوکس (همراه با ناسیونالیسم روسی و ایده روسی) می‌تواند اساس ایدئولوژیکی همه پیروزی‌های روسیه باشد (همان‌طور که قبلاً بود). ادعا می‌شود که احیای دین ارتدوکس با تمام جلال و عظمت آن، موجب احیای عظمت و توانایی کشور خواهد گردید.

به این ترتیب، دین ارتدوکس به یک دین شبه‌دولتی تبدیل می‌شود. مقامات عالی کشور بر برخورد مثبت خود با دین ارتدوکس تأکید می‌کنند. واحدهای ویژه قزاقی (ارتدوکس) در نیروهای مسلح روسیه ایجاد می‌شوند. کیشهای ارتدوکس در مراسم روی آب انداختن ناوهای رزمی و افتتاح ساختمانهای ارگانهای دولتی شرکت می‌کنند. مراسم دینی در دانشگاههای نظامی و در مدارس میلشیا برگزار می‌شوند. در همان حال گروههای مربوطه اجتماعی - سیاسی و شخصیت‌های آنها مورد تشویق قرار می‌گیرند.

همین امر کافی است تا تشنج بین مقامات رسمی (مرکز فدرال) و مسلمانانی ایجاد شود که بر حق خود را در این دولت بیگانه از نظر معنوی، مورد تبعیض واقع شده احساس می‌کنند. این بیگانگی با حکومت مرکزی توسط نکات مکمل تحکیم می‌شود از جمله کوششها برای جلوه دادن جنگ چچن به عنوان دفاع ارتدوکسها از دین خود در برابر «مسلمانان بیگانه».

قزاقهایی که در نبردهای چچن شرکت کردند، جلوی دوربین تلویزیون صلیب بدنی خود را نشان می‌دهند. برخی از چچنها وارد بازی براساس این سناریو می‌شوند و جلوی دوربین تلویزیون با سربندهایی ظاهر می‌شوند که روی آنها کلمات «لااله الاالله و محمد



رسول‌الله» نوشته شده است. در عین حال در رسانه‌های گروهی سعی می‌کنند «خطر اسلامی» را از خود درآورده و به رخ همه بکشند.

به این ترتیب، از طریق تشویق دین ارتدوکس در سطح دولتی، بیگانگی مسلمانان نسبت به دولت روسی ایجاد می‌شود که باعث رشد خصومت‌های بین مذهبی و بین قومی، از جمله در مناطق سکونت مشترک پیروان ارتدوکس و مسلمانان، می‌شود. نتیجه مکمل این وضع، تخریب مناسبات روسیه با دولتهای اسلامی و فاصله‌گیری از آنها است. تبدیل کلیسای ارتدوکس به مذهب شبه‌دولتی و تبدیل دین ارتدوکس به ایدئولوژی رژیم کنونی تا اندازه‌ای به نفع کلیسای ارتدوکس روسیه است.

وقتی که حکومت خردمند می‌شود، اصول‌گرایی می‌خواهد

سناریویی که در فوق توصیف شد در شرایط بحران شدید اقتصادی و اجتماعی - سیاسی روسیه عملی می‌شود. اشاره به این واقعیت کمک می‌کند که معنی اصول‌گرایی اسلامی درک شود. خود مسلمانان اغلب از کاربرد این اصطلاح ناراحت می‌شوند. اما این اصطلاح می‌تواند به همه روندهای اجتماعی - سیاسی و ایدئولوژیک اطلاق شود که در جامعه بحران‌زده جریان دارند.

اصول‌گرایی، یک نهضت اجتماعی است که به بازگشت به وضعیتی دعوت می‌کند که به عنوان مبنای هستی جمعی تلقی می‌شود. اصول‌گرایی می‌تواند مختلف باشد. برای مثال، اصول‌گرایی ارتدوکس به احیای مذهب ارتدوکس به‌عنوان اساس هستی اجتماعی روسیه دعوت می‌کند. این اصول‌گرایی واکنشی در برابر بحران نه‌تنها جامعه سوسیالیستی و ایدئولوژی کمونیستی بلکه بحران معنویت در جامعه آمریکایی شده روسی و دولتی شدن کلیسای ارتدوکس است.

اصول‌گرایی کمونیستی به شکل استالینی، واکنش در برابر بحران جامعه و بحران جنبش کمونیستی است. اصول‌گرایی همیشه با کلمات کلیدی ذیل ارتباط دارد: بازگشت، احیا و رستاخیز.

اصول‌گرایی اسلامی هم در قالب همین گرایشها قرار دارد. کنه آن، دعوت به بازگشت به پاکیزگی اولیه اسلام و دوران صدر اسلام می‌باشد. این دعوت در شرایط مختلف به‌گونه‌های مختلف تبلور می‌یابد. وقتی که در شرایط بحران روسیه و از دست دادن قابلیت اداره امور کشور بزرگ و متنوع، دولت قادر نمی‌شود زندگی عادی شهروندان خود را تأمین



کند، مکانیزمهای خودگردانی گروهی و دفاع از خود عملی می‌شوند.

در این زمینه نباید چیز جدیدی اختراع کرد؛ می‌توان به چیزی برگشت که قبلاً وجود داشت و تا آخر از بین نرفته است. در جمعیت‌های سنتی که در کوره مدرنیزاسیون تا آخر ذوب نشده‌اند، این مکانیزمها حفظ شده‌اند. مسلمانان روسیه هم آنها را دارند. این مکانیزمها عبارت‌اند از شریعت (حقوق اسلامی)، عادت (حقوقی سنتی)، طریقه‌های تصوفی و ادعیه چچنی، گروه‌های همیاری مذهبی و غیره.

اما بازگشت به گذشته می‌تواند موجب تشدید تضادها و اختلافاتی شود که گویا مدتها پیش سوخته و خاموش شده‌اند. در روسیه این اختلافات بین ارتدوکسها و مسلمانان هستند که تاریخ این کشور از آنها مالا مال است. کافی است استعمار قفقاز و آسیای مرکزی را توسط روسیه بخاطر آوریم. اردوی طلایی هم مرحله مهم تاریخ کشورمان است. اگر کسی این موضوعات را بخاطر نیاورد، رهبران سازمانهای اصولگرایان ملی و مذهبی او را به یاد آن خواهند انداخت.

در اینجا دعوتهای لفظی به همزیستی دوستانه کمک نخواهند کرد چرا که مناقشه شروع شده است. راه‌حل این مسائل، اعتلای واقعی اقتصاد، اجرای برنامه‌های اجتماعی، بویژه در مناطق عقب‌مانده کشور (مثلاً جمهوری مسلمان‌نشین داغستان)، اجرای سیاست فدرال متعادل، تحکیم نظام دولتی و تأمین برابری واقعی پیروان همه ادیان، تشخیص منافع واقعی روسیه نوین و متحدان استراتژیک آن و بالاخره حکمت سیاسی دارندگان قدرت دنیوی و معنوی است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی